گفت و گوهای ایران با اتحادیه اروپا

گفت‏وگوهای اقتصادی ایران با اتحادیه اروپا.بزرگترین‏ شریک تجاری ایران،در واقع در راستای ورود به مذاکرات‏ الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت می‏تواند تلقی‏ شود.با توجه به اینکه این نوع مذاکرات نخستین از نوع‏ خود می‏باشد اگر با منطق و واقع‏بینی هدایت شود، می‏تواند دستاوردهایی فراتر از قلمرو تجارت داشته باشد.

اولین دور مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‏ اروپا جهت انعقاد«موافقت‏نامه تجارت و همکاری»از 21 آذرماه سال 1381 در بروکسل آغاز شد و دور دوم آن‏ نیز در روزهای 16 و 17 بهمن‏ماه،در تهران ادامه یافت. دور سوم و چهارم این مذاکرات نیز به ترتیب در فروردین‏ ماه و خردادماه 1382 در بروکسل و تهران برگزار شد. هماهنگی این مذارکرات بر عهده وزارت امور خارجه بود و نمایندگانی از وزارتخانه‏های مختلف همچون‏ بازرگانی،صنایع و معادن،نفت،جهاد کشاورزی، راه و ترابری،و اقتصاد و دارایی و همچنین نماینده‏ای از بانک مرکزی،در آن حضور داشتند.

در این گزارش مختصر،ضمن بررسی زمینه‏های‏ شکل‏گیری این مرحله جدید از روابط ایران و اتحادیه‏ اروپا،به تبیین برخی از ابعاد موضوع می‏پردازیم.

اروپا،بزرگترین شریک تجاری ایران

اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری ایران است،نزدیک‏ به 38 درصد از کل دادوستد خارجی ایران،با کشورهای‏ عضو این اتحادیه است.در سال 2001 میلادی،صادرات‏ کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ایران حدود 6/6 میلیارد یورو،و صادرات(نفتی و غیر نفتی)ایران به این کشورها حدود 8/6 میلیارد یورو بود.همین دو رقم اهمیت روابط تجاری و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا را به روشنی نشان‏ می‏دهد؛که هر دو طرف به خوبی به آن آگاه‏اند.

از جانب ایران،نه تنها اتکاء 38 درصدی دادوستد خارجی کشور به اتحادیه اروپا به خودی خود عاملی‏ تعیین کننده است،بلکه داشتن روابط حسنه و استوار با اروپا-بویژه در زمینه تجارت و اقتصاد.بی‏تردید موجب‏ ارتقای جایگاه و موقعیت منطقه‏ای و بین المللی ایران‏ می‏شود.پیوندهای تجاری و اقتصادی ایران و اروپا در سطحی است که بی‏شک روابطی منسجم‏تر و نهادینه‏تر را می‏طلبد.با توجه به این واقعیت،مسوولان ایرانی‏ هرگز علاقه خود را به انعقاد موافقت‏نامه‏ای اطمینان‏بخش‏ با اتحادیه اروپا پنهان نکرده‏اند.

اما در جانب اروپا نیز انگیزه‏های نیرومند اندک نیست. نه تنها ایران خود یک بازار هفتاد میلیونی است،بلکه‏ آسانترین راه دسترسی به بازار گسترده آسیای مرکزی نیز هست.افزون بر این،ایران منابع عظیم انرژی و قابلیتهای‏ ترانزیتی وسیعی دارد.به همین دلایل،اتحادیه اروپا نیز از سالها پیش تلاش می‏کند روابط اقتصادی خود را با ایران بر چنان پایه‏ای استوار گردند که ضریب اعتماد و اطمینان و پیش‏بینی‏پذیری آن را افزایش دهد.

علیرغم ابراز چنین اراده‏ای و علاقه‏ای از دو طرف و با وجود گامهای عملی که گاه و بی‏گاه برداشته می‏شود،عقد «موافقت‏نامه تجارت و همکاری»با اروپا هنوز هم تحقق‏ نیافته است.دلیل این تعویق را می‏باید در فراز و نشیبهای‏ روابط سیاسی فیمابین در دو ده اخیر جست‏وجو کنیم که‏ بر روابط اقتصادی هم سایه می‏انداخت.بعد از انتخابات‏ دوم خرداد سال 1376 و استقرار دولت اصلاحات در ایران، اتحادیه اروپا تمایل بیشتری به مذاکرات سازنده نشان داد، و در ایران زمینه مساعدتری فراهم شد.در همین راستا و در فرایند مذاکرات سیاسی دو جانبه(موسوم به‏ «گفت‏وگوهای فراگیر»)،طرفین به این نتیجه رسیدند که‏ برای تبادل نظر متمرکزتر در زمینه مسائل اقتصادی مورد علاقه،ایجاد ساز و کارهای(مکانیسم‏های)ویژه‏ای ضرورت‏ دارد.بر این اساس،در سال 1379،«گروه کاری تجارت و سرمایه‏گذاری»و«گروه کاری انرژی»تشکیل شد.در همان‏ سال،«کمیسیون اروپا».که رکن اجرایی اتحادیه اروپاست. گزارشی از اقتصاد ایران تهیه و به شورای وزیران اتحادیه‏ تسلیم کرد.این گزارش مبنای یک فرایند مباحثات داخلی‏ در اتحادیه اروپا شد که فرجام و حاصل آن صدور مجوز برای آغاز مذاکره با ایران،با هدف انعقاد«موافقت‏نامه‏ تجارت و همکاری»بود.با آنکه در مورد نوع قرارداد احتمالی با ایران،میان اعضای اتحادیه اختلاف سلیقه‏هایی‏ وجود داشت،سرانجام در خردادماه سال 1381، شورای وزیران اتحادیه اروپا دستور العمل شروع مذاکرات‏ با ایران را در اختیار«کمیسیون اروپا»قرارداد،و مذاکرات در آذرماه 1381 آغاز شد.

حوزه‏های همکاری با اروپا

هر چند چهار دور گفت‏وگو تاکنون صورت گرفته ولی‏ تا زمانی که مذاکرات به مرحله امضا«موافقتنامه»نرسد، در مورد شمول و میزان تاثیرش بر بخشهای مختلف‏ اقتصاد کشور،نمی‏توان ارزیابی جامعی به عمل آورد.با این حال،با نگاهی به مذاکرات تاکنون انجام شده،و با عنایت به موافقت‏نامه‏های مشابهی که اتحادیه با دیگر کشورها منعقد کرده است،می‏توان پیش‏بینی کرد «موافقت‏نامه»حوزه‏های زیرا را در بر خواهد گرفت:

.حوزه‏های تجارت کالا:شامل تعرفه‏ها،موانع‏ غیر تعرفه‏ای،ارزیابی‏های گمرکی،قوانین مبدا،ترانزیت‏ کالاها،ابزارهای دفاعی تجاری،تسهیلات تجاری، مجوزهای واردات،و...

.حوزه تجارت خدمات:شامل حقوق مالکیت معنی، خریدهای دولتی،سرمایه‏گذاری،نظام و سیستم پرداختها.

.سایر حوزه‏های همکاری:از جمله در زمینه‏های‏ انرژی،حمل و نقل،استاندارها-و همکاریهای صنعتی، گمرکی،تحقیقاتی،فرهنگی،آماری و مسائل مربوط به‏ قاچاق مواد مخدر و پناهندگان.

پیامدهای انعقاد«موافقت‏نامه»با اتحادیه اروپا

در گفت‏وگوهای ایران با جامعه اروپا،نکته‏ای که‏ شایسته توجه عمیق است،این است که اتحادیه اروپا،که‏ خود عضوی از اعضای سازمان جهانی تجارت است،در مذاکرات با ایران خارج از تعهدات و منافع خود در آن‏ سازمان عمل نخواهد کرد.افزون بر این،اتحادیه همچنین‏ تلاش خواهد کرد که تعهدات ایران در چارچوب«موافقت‏نامه»،در راستای تعهداتی باشد که در مذاکرات آتی مربوط به الحاق به سازمان جهانی تجارت‏ از ایران طلب خواهد کرد.چنین رویکردی به مذاکرات‏ ایران و اروپا از دو منظر شایسته دقت و باریک‏بینی است: اولا،مذاکره با اتحادیه اروپا،به ایران یاری خواهد داد که برای ورود به مذاکرات آتی الحاق کشورمان به سازمان‏ جهانی تجارت و عضویت کامل در آن سازمان،آمادگی‏ بیشستری داشته باشد.افزون بر این،با توجه به این که‏ اتحادیه اروپا خود یکی از طرفهای اصلی ایران در مذاکرات آتی الحاق به سازمان جهانی تجارت خواهد بود،گفت‏وگوهای تجاری با این اتحادیه،احتمالا می‏تواند مذاکرات طرفین در فرایند الحاق به سازمان جهانی‏ تجارت را سریع‏تر و کوتاه‏تر کند.

ثانیا،نباید فراموش کنیم که ورود به چنین سطحی از روابط قراردادی تجاری با یک بلوک منسجم و قدرتمند و در انطباق با مقررات بین المللی،تمیهدات داخلی‏ گسترده‏ای را نیز می‏طلبد.بر این اساس،در مرحله اجرای‏ «موافقت‏نامه»،لازم خواهد آمد که برخی از مقررات و قوانین داخلی،در جهت تعهدات ایران تغییر یابند تا مطابق‏

قانونمند شدن‏ روابط اقتصادی با یک‏ بلوک قدرتمند اقتصادی‏ نظیر اتحادیه اروپا و تعامل با آن‏ می‏تواند به ارتقای‏ جایگاه بین المللی و کاهش نرخ‏ ریسک کشور نیز کمک کند

با این تعهدات باشند؛به بیان روشنتر،به هنگام‏ اجرای«موافقت‏نامه»،برخی اصلاحات قانونی و تغییر در شیوه‏های اجرایی گزیر ناپذیر خواهد بود.

ساماندهی اقتصادی را تسریع کنیم

مقتضیات«موافقت‏نامه»بخشهای مختلف کشور را در سطوح سیاستگذاری و اجرایی درگیر می‏سازد.بنا بر این، ضمن تایید اصلاحات اقتصادی جاری،می‏باید خود را برای‏ تسریع در اصلاحات اقتصادی در راستای سازگاری با هنجارها و مقررات بین المللی آماده سازیم.مقولاتی چون‏ نظام تعرفه،قوانین گمرکی،نظام بانکی،رژیم مالکیت‏ معنوی و صنعتی،سیاستهای حمایتی کشور،و...بی‏شک‏ در قلمرو این اصلاحات قرار خواهند گرفت و از آن تاثیر خواهند پذیرفت.در واقع،باید ساماندهی و اصلاحات‏ اقتصادی خود را جدی تلقی کرده آن را تسریع کنیم.

این ساماندهی اقتصادی،که از ضروریات و پیامدهای‏ انعقاد«موافقت‏نامه تجارت و همکاری»با اتحادیه اروپاست، در واقع همان است که از ناحیه عضویت ایران در سازمان‏ جهانی تجارت نیز متصور است،منتها در مقیاسی بزرگتر. این دو فرایند-در صورت تحقق-بی‏تردید در ظهور برخی‏ شرایط بنیادین برای پیشبرد فعالیتهای اقتصادی بخش‏های‏ خصوصی و دولتی و تعاملات آنها با شرکای خارجی‏شان‏ موثر خواهد بود.برخی از تحولات مورد انتظار عبارت است‏ از:قابل پیش‏بینی شدن محیط داخلی،ارتقای شفافیت در سطوح مختلف تصمیم‏گیری و قانونگذاری و اجرایی،رفع‏ انحصارهای غیر ضروری،ثبات رفتاری،فراهم آمدن‏ امنیتهای ضروری برای توسعه فعالیتهای بخش خصوصی‏ داخلی و خارجی،بهبود وجهه بین المللی کشور و نزدیک‏ شدن به استانداردهای و مقررات جهانی،و کسب قدرت‏ رقابت در بازارهای بین المللی.همه این تحولات،به نوبه‏ خود،به تحقق هدف دیرینه ایران،یعنی افزایش صادرات‏ غیر نفتی،کمک خواهد کرد.

این نکته نیز گفتنی است که قانونمند شدن روابط تجاری و اقتصادی با یک بلوک قدرتمند اقتصادی نظیر اتحادیه اروپا و تعامل با آن،می‏تواند به ارتقای جایگاه‏ بین المللی و کاهش نرخ ریسک کشور نیز کمک کند. همچنین انتظار می‏رود که به کاهش برخی شکافهای‏ موجود میان ایران و اروپا،از جمله در عرصه‏های‏ فن،مدیریتی،اقتصادی،و حتی معیشتی یاری برساند. بر اساس روابط قراردادی و تعهداتی که طرفین بر عهده‏ خواهند گرفت،می‏توان نسبت به حضور هر چه بیشتر شرکتهای سرمایه‏گذار اروپایی در ایران در بخشهای‏ مختلف-و نه تنها در بخش انرژی-امیدوار بود.حتی‏ سرمایه‏گذاریهای مشترک و Joint-Ventures از سوی شرکتهای ایرانی و اروپایی نیز قابل پیش‏بینی است.

بنا بر این می‏توان نتیجه گرفت که این اصلاحات نه از برای‏ انعقاد موافقتنامه با اروپا و یا بعدها پیوستن به سازمان‏ تجارت جهانی بلکه برای توسعه و رشد اقتصادی‏ کشورمان ضروری است.حیات آتی اقتصادی ما در گرو استاندارد شان ساز و کار اقتصاد ما خواهد بود.

امیدها و انتظارها

مذاکرات جاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‏ اروپا انتظارات زیادی در جامعه ایران پدید آورده است، از جمله اینکه صادر کنندگان ایرانی انتظار دارند دسترسی‏ بیشتری به بازار کشورهای عضو اتحادیه اروپا داشته‏ باشند،و از تسهیلات تجاری ویژه‏ای که رقبای ایران از آن برخوردارند،بهره بگیرند.این انتظار هم هست که‏ برخی تبعیضات رفع شود،از آن جمله است:تحمیل یک‏ جانبه استانداردها بدون در نظر گرفتن مهلت‏های مقرر برای کشورهای در حال توسعه؛یا تبعیض علیه ایران در مورد برخی استانداردهای بهداشتی و مواد غذایی.

توفیق در مذاکرات مربوط به«موافقت‏نامه»بی‏تردید در افزایش مزیت نسبی ایران از دیدگاه اروپا نسبت به رقبای‏ منطقه‏ای ما موثر خواهد بود.انعقاد«موافقت‏نامه»می‏توان‏ در همکاری عملی دو طرف در بخش انرژی و انتقال آن‏ نیز تاثیر مثبتی داشته باشد.اتحادیه اروپا،توجه به افزایش‏ جمعیت آن-که نتیجه پذیرش اعضای جدید در اتحادیه‏ است-نیاز شدیدی به انرژی دارد.برای ایران نیز،یافتن‏ بازارهای قابل اطمینان برای صادرات منابع انرژی خود- به ویژه گاز طبیعی-از اهمیت زیادی برخودار است.بنا بر این،زمینه مساعدی برای همکاری در بخش‏ انرژی وجود دارد.ایران از نظر انتقال و ترانزیت منابع‏ انرژی کشورهای دیگر منطقه به اروپا نیز کشور ممتازی‏ است و این انتقال افزون بر ایجاد درآمد،می‏تواند آثار مثبت‏ دیگری برای کشورمان نیز داشته باشد،از جمله:ایجاد فرصتهای اشتغال و جذب سرمایه‏های خارجی برای‏ نوسازی صنایع و زیرساختهای مربوط به انرژی.

علیرغم نکات و مزیت‏های بالا تحولات سریع سیاسی که‏ در سطح جهان در حال اتفاق است هر آینه می‏تواند به نحوی‏ بیش و کم در فرآیند این مذاکرات اثر بگذارد.بیانیه اخیر شورای‏ وزرای خارجه اتحادیه که روز 26 خردادماه جاری صادر شد به نحوی تعمیق روابط با ایران را در زمینه‏های مختلف منوط به یکدیگر کرده است و خواهان پیشرفت موازی آنهاست. درخواست اتحادیه از ایران برای پیوستن به پروتکل الحاقی‏ موافقتنامه منع تولید و گسترش سلاح هسته‏ای از مواردی‏ است که می‏تواند در این فرایند اثرگذار باشد.البته گمان نمی‏ رود که وزن امتیازات احتمالی تجاری و هزینه سیاسی پیوستن‏ به پروتکل الحاقی یکسان باشد به طوریکه بتواند مشوق ایران‏ برای اجابت درخواست اتحادیه تلقی شود.